

کدامیک امکان‌پذیر نیست؟

بدون پایداری، توسعه؛ یا بدون توسعه، پایداری!

اگر از برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران خواسته شود که مبنایی علمی و معقول برای توجیه اهداف سازمان متبوع خود ارائه دهند، شاید قریب به اتفاق آنها دستیابی به توسعه پایدار را ذکر کنند؛ مفهوم و اصطلاحی که هر فرد تعریف خاصی از آن دارد. برخی بر بعد توسعه و تغییر تأکید دارند و فعالیت‌های خود را برای دستیابی به رشد اقتصادی که یکی از ابعاد توسعه پایدار است طرح‌ریزی می‌کنند. در حالی که گروه دیگر با تأکید بر پایداری، حفظ توان و استعداد (پتانسیل) منابع طبیعی و فرهنگی را شرط لازم برای توسعه پایدار می‌دانند. این تشتت آرا سبب شده است که تاکنون بیش از ۶۰ تعریف برای توسعه پایدار ارائه شود و در همین رابطه ابعاد و شاخص‌های متعددی برای سنجش پایداری تبیین شود. در مقابل این واگرایی - که پایه و اساس همه‌ی آنها تعریف گزارش براتلند از توسعه پایدار به عنوان توسعه‌ای که در آن نیازهای نسل‌های حاضر برآورده می‌شود بدون اینکه توانایی‌های نسل‌های آینده به خطر بیافتد، است - برخی محققان مثل جابرین در سال ۲۰۰۶ با بررسی اشتراک‌های بین نتایج مطالعات مختلف، به تبیین ابعاد توسعه پایدار پرداخته‌اند که می‌تواند راهنمایی مرجع و مناسب برای سیاست‌گذاران و کلان‌نگران در تدوین راهبردهای برنامه‌های توسعه باشد. این ابعاد را در هفت حوزه می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱ تضاد اخلاقی

بعد مرکزی توسعه پایدار تضادی اخلاقی است که بین پایداری و توسعه وجود دارد. به عبارت دیگر اساس معرفت‌شناختی توسعه پایدار، تضادهای سیال و حل‌نشده‌ای از پایداری است که هم‌زمان به نظریه‌ها و فعالیت‌های متفاوت و

متناقض محیط زیستی توجه کرده و سعی در اجرای آنها دارد. در نتیجه توسعه پایدار تفسیرها و فعالیت‌های مختلفی را که دامنه آن‌ها از توجه سطحی به بوم‌شناسی (اکولوژی) - که اجازه دخالت وسیع به انسان در محیط را می‌دهد - تا محوریت محیط زیست و بوم‌شناسی - که اجازه کمینه‌ی دخالت را در طبیعت و محیط زیست می‌دهد - تاب آورده و در برمی‌گیرد. لذا در هر مورد باید بر اساس وضعیت موجود به ایجاد شرایطی متعادل که هر دوی ملاحظات محیط زیستی و اقتصادی را در برگیرد، پردازند.

۲ سرمایه طبیعی

مفهوم سرمایه طبیعی بیانگر جنبه مادی عالم نظریه پردازی از پایداری است. سرمایه طبیعی بازنمای دارایی‌های منابع طبیعی و محیط زیستی از توسعه و حفاظت از آنها است. بر اساس این بعد اقدامات و فعالیت‌های توسعه پایدار از حفاظت مستمر از سرمایه طبیعی برای حفظ منافع نسل‌های آینده حمایت می‌کند. بنابراین تاراج اندوخته‌های آبی کشور در زیرزمین، به بهانه‌ی خودکفایی در کشاورزی آشکارا می‌تواند نافی این بعد از توسعه پایدار باشد.

۳ روش‌های محیط زیستی

مفهوم شکل و روش اکولوژیکی نمایانگر اشکال و روش‌های متناسب محیط زیست از فضاها و جوامع شهری و روستایی است. این مفهوم بیانگر شکل فضایی مطلوب از زیستگاه انسانی است، شامل: شهرها، روستاها و مناطق پیرامونی، هدف طراحی پایدار ایجاد اشکال و روش‌های بوم‌شناختی است که از لحاظ مصرف انرژی کارایی داشته و برای یک زندگی بلندمدت طراحی شده باشند. افزون بر آن، اصول مشترک آنها از طریق عبارت و نظریه متراکم‌سازی «زمان - فضا - انرژی» قابل بیان است که مستلزم کاهش‌ها و صرفه جویی در زمان و فضا برای کاهش مصرف انرژی است.

۴ عدالت و برابری

مفهوم برابری و عدالت بیانگر بعد اجتماعی توسعه پایدار است و در برگیرنده مفاهیم مختلف نظیر عدالت اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی، کیفیت زندگی، آزادی، دموکراسی، مشارکت و توانمندسازی است. در دیدی وسیع، پایداری به عنوان برابری توزیع شده در رابطه با به اشتراک گذاشتن و تسهیم ظرفیت‌ها برای رفاه بین نسل‌های حاضر و آینده انسانی تعریف می‌شود.

۵ مدیریت تلفیقی

مفهوم مدیریت تلفیقی بیانگر دیدگاهی کل‌نگر از جنبه‌های توسعه اجتماعی، رشد اقتصادی و حفاظت محیط زیست است. بر اساس نظریات پایداری، تلفیق ملاحظات محیط زیستی، اقتصادی و اجتماعی در برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه پایدار ضرورت دارد. اعتقاد بر این است که برای دستیابی به تلفیق بوم‌شناختی - برای مثال حفاظت از ذخایر و دارایی‌های سرمایه طبیعی - باید رهیافت‌های کل‌نگر و تلفیقی را در مدیریت دنبال کرده و به کار گرفت. به طوری که همه دست‌اندرکاران نسبت به برنامه‌های توسعه‌ای حس مالکیت داشته و به آن متعهد باشند.

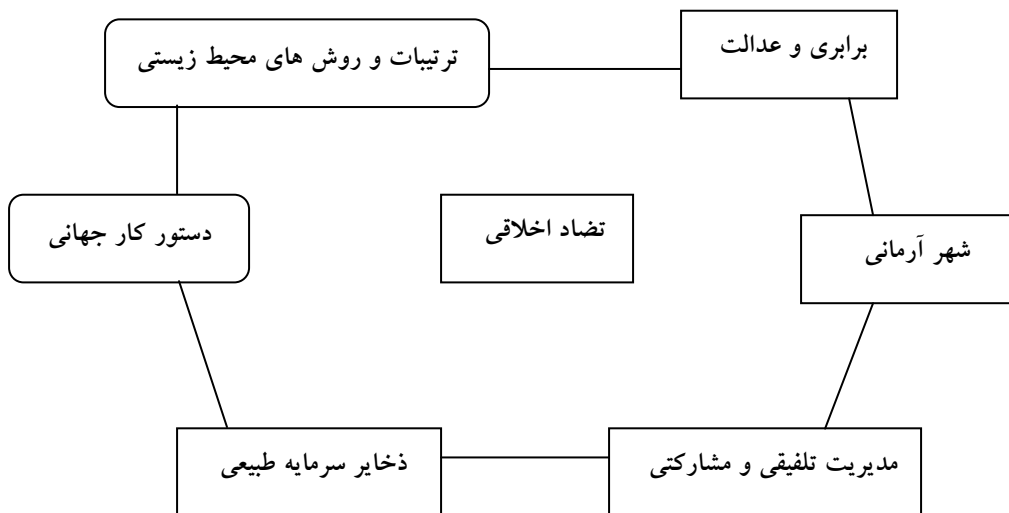
۶ دستور کار جهانی

این مفهوم بیانگر بحث و تحلیلی نوین از محیط سیاسی جهانی است که نظریه پایداری را تجدید ساختار می‌کند. از اجلاس ریو به بعد این بحث فراتر از بعد بوم‌شناختی و محیط زیستی صرف، در برگیرنده مسایل مختلف بین‌المللی مانند امنیت، صلح، داد و ستد، میراث فرهنگی، گرسنگی، سرپناه، آزادی زنان، بیودموکراسی (زیست‌سالاری) و سایر خدمات اساسی توسعه است. با این وجود این مفهوم مناقشه‌های سیاسی ژرفی را بین کشورهای شمال و جنوب سبب شده، جایی که

شمالی‌ها اعتقاد دارند: بدون پایداری، توسعه امکان پذیر نیست و کشورهای جنوب می‌گویند: بدون توسعه، پایداری امکان پذیر نیست.

۷ مفهوم شهر آرمانی

مفهوم شهر آرمانی بیانگر چشم انداز مناسب برای زیستگاه‌های انسانی مبتنی بر توسعه پایدار است. به طور کلی چنین دیدگاه آرمان‌گرایانه، یک جامعه متعالی را که عدالت در آن حاکم است، مردم خرسند و راضی هستند، هماهنگ با محیط زیست خود زندگی و ترقی می‌کنند و زندگی آنها با آرامش و بدون کمبود و بحرانی پیش می‌رود به تصویر می‌کشد. شهر آرمانی فراتر از ملاحظات محیط زیستی پایداری، به هماهنگی بین ابعاد اجتماعی، سیاسی مانند وحدت و انسجام، معنویات و تخصیص برابر منابع توجه دارد.



ابعاد مفهومی و اجرایی توسعه پایدار

جان کلام آنکه

شاید آنقدرها مهم نباشد که بدانیم: بدون توسعه، پایداری امکان‌پذیر است؟ یا بدون پایداری، توسعه! اما این بسیار مهم است که بدانیم کشور و نظامی می‌تواند ادعای حرکت در مسیر توسعه پایدار را بکند که بتواند علاوه بر آفرینش فرصت‌های برابر شغلی برای همه‌ی شهروندانش، فارغ از نژاد و رنگ پوست و قومیت و مذهب؛ یک گام پیش‌تر رفته و بر بنیاد آموزه‌ی زیست‌سالاری بکوشد تا از امکان حیاتی درخور برای همه‌ی زیست‌مندان ساکن در قلمرو حکومتی‌اش حراست کند. به مفهومی ساده‌تر، پاسداری از زیگونگی یا تنوع زیستی، هم در حوزه‌ی فرهنگی و هم در حوزه‌ی طبیعی می‌تواند به پایداری حکمرانی مطلوب برای هر دولتی کمک کند. بررسی رتبه‌ی کشورها بر اساس شاخص سرزمین شاد^۱ (HPI)، از سال ۲۰۰۶ به این سو، از همین دریافت سرچشمه می‌گیرد، شاخصی که در آن، هنوز جایگاه ایران (رتبه ۷۷) از کشورهای ثروتمندی چون ایالات متحده آمریکا (۱۰۵)، روسیه (۱۲۲) و قطر (۱۴۹) به مراتب بالاتر است و یادمان باشد که شاید نخستین انسان فرزانه‌ای که بیش از یک هزار سال پیش از ضرورت احترام به بیودموکراسی سخن گفت، فردوسی بزرگ بود:

سیاه اندرون باشد و سنگدل

که خواهد که موری شود تنگدل

^۱ Happy Planet Index